

**Analyzing the critical discourse of tolerance verses with people of the book  
Designing a structural-interpretive framework of hostility  
in Shahid Soleimani school**

Received: 07/12/2022

Accepted: 17/03/2023

---

**Bibi sadat Razi Bahabadi**<sup>\*</sup>

**Fereshteh Motamad Langrodi**<sup>\*\*</sup>

(203-228)

Critical discourse analysis, as a method of text analysis, tries to identify the inner layers of the elements in it and analyze the relationship between them in order to reach the deep meanings of the text. This method is considered a tool for text analysis and worldview of texts, especially in religious studies. Although Jews are the most hostile people towards Muslims (Al-Maidah: 82), but in the verses of the Holy Qur'an, tolerant behavior and forgiveness towards them is expressed. In this article, the ideology of the divine discourse of these verses has been analyzed based on Fairclough's critical discourse analysis method. The findings of the research indicate that ideological constructions at the level of description, including the empirical value of words, semantic similarity, and syntactic constructions, have been used in expressing tolerance towards people of the book. Forgiveness, forgiveness, patience and piety are the components of discourse, tolerance with people of the book. These components are in close interaction with discourse ideology and power relations. The analysis of the context of the situation at the level of interpretation revealed that the style of speaking in the text layer is completely consistent with the social and time conditions of the revelation of the verses. The analysis of the level of explanation shows the desirable life pattern in the society and shows that the tolerance towards the people of the book is for the preservation of social interests, and it appears in the fields that do not lead to the dominance of conspiracy-oriented thoughts.

**Keywords:** Analysis of critical discourse, Farklaf, tolerance, Holy Quran, people of the book, forgiveness

---

\* . Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Alzahra University (S), Tehran, Iran, b.razi@alzahra.ac.ir.

\*\* . Post-doctorate researcher, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Alzahra University, Tehran, Iran (corresponding author), f.motamad@alzahra.ac.ir.



## تحلیل گفتمان انتقادی آیات مدارا با اهل کتاب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

بی‌بی سادات رضی بهابادی \*

فرشته معتمد لنگرودی \*\*

(۲۰۳-۲۲۸)

### چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان یک روش تحلیل متن، سعی می‌کند لایه‌های درونی عناصر موجود در آن را شناسایی کرده و ارتباط میان آن‌ها را تحلیل نماید تا به معنای عمیق متن دست پیدا کند. این روش ابزاری برای تحلیل متن و جهان بینی متون به‌ویژه در مطالعات دینی به‌شمار می‌رود. هرچند بهبود، دشمن‌ترین افراد نسبت به مسلمانان هستند (المائده: ۸۲) ولی در آیاتی از قرآن کریم رفتار مداراگونه و عفو از آنان بیان شده است. در این مقاله سعی شده ایدئولوژی گفتمان الهی از این آیات بر اساس روش گفتمان‌کاوی انتقادی فرکلاف مورد تحلیل قرار گیرد لذا معیار گزینش آیات مدارا با اهل کتاب، آیاتی است که در ارتباط با اهل کتاب کلیدواژه عفو، صبر و صبر به کار رفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از ساخت‌های ایدئولوژیک در سطح توصیف اعم از ارزش تجربی واژگان، تشابه معنایی و ساخت‌های نحوی در بیان مدارا با اهل کتاب استفاده شده است. عفو، صبر و تقوا به‌عنوان مؤلفه‌های گفتمان مدارا، مدارا با اهل کتاب است. این مؤلفه‌ها با ایدئولوژی گفتمان و روابط قدرت در تعامل تنگاتنگ قرار دارند. تحلیل بافت موقعیت در سطح تفسیر نمایان ساخت که سبک گفته در لایه متنی کاملاً با شرایط اجتماعی و زمانی نزول آیات مطابقت دارد. تحلیل سطح تبیین، نشانگر الگوی زیست مطلوب در جامعه است و نشان می‌دهد مدارا با اهل کتاب جهت حفظ مصالح اجتماعی است و در عرصه‌هایی که زمینه‌ساز سلطه اندیشه‌های توطئه‌محور نباشد، بروز می‌یابد.

**واژگان کلیدی:** تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف، مدارا، قرآن کریم، اهل کتاب، عفو

\* . دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، b.razi@alzahra.ac.ir.

\*\* . پژوهشگر پسادکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، f.motamad@alzahra.ac.ir

## ۱. بیان مسئله

از منظر اسلام زندگی مسالمت‌آمیز و مدارا با پیروان ادیان توحیدی در کنار یکدیگر به رسمیت شناخته شده است. به همین دلیل، از ظهور اسلام تاکنون، در بسیاری از مناطق جهان، مسلمانان در کنار مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان زندگی کرده و روابط و تعاملات مسالمت‌آمیز با یکدیگر داشته‌اند. از این رو، اختلاف عقاید، هرگز مجوزی نمی‌شود تا اصول اخلاقی در تعاملات و ارتباطات نادیده گرفته شود. از سوی دیگر، امروزه تنوع عقاید، آداب و فرهنگ‌ها به حدی است که بدون داشتن حداقلی از مدارای اجتماعی، زندگی کردن در وضعیت عادی غیرممکن است، پس مدارا در جوامع کنونی موضوعی گریزناپذیر و یکی از مهم‌ترین بایسته‌های زندگی اجتماعی است: «اگر گروه‌های مختلف، عقاید متعارضی در زمینه اخلاقی، سیاسی و یا مذهبی داشته باشند و هیچ بدیل و جایگزینی برای زندگی در کنار هم نیابند، تساهل امری ضروری خواهد بود» (ژاندرن، ۱۳۸۲ ش: ۳۵). تعامل مدارامحور، اثر قابل توجهی در آرامش زندگی انسان‌ها و جوامع بشری دارد. مدارا به‌عنوان یکی از فضایل اخلاقی در آیات قرآن کریم است که در حوزه‌های مختلف اعم از مدارا با اعضای خانواده، مدارا با مخالفان و مدارا با مؤمنان مطرح است. مدارا با مخالفان حوزه‌های مختلفی دارد که یکی از آن‌ها مدارا با اهل کتاب است. اهل کتاب هر جا در قرآن کریم ذکر شده، مراد از اهل، یهود و نصارا است و مراد از کتاب، تورات و انجیل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۳۰۷). قرآن کریم اصل دین و کتاب آسمانی اهل کتاب را تأیید می‌کند (آل عمران: ۳) و آنان را به باور مشترک میان مسلمانان و اهل کتاب دعوت می‌نماید (آل عمران: ۶۴) و حتی مطابق آیات ۸ و ۹ سوره ممتحنه<sup>۱</sup> يك اصل کلی و اساسی در چگونگی رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان این است که مسلمانان موظفند در برابر هر گروه و جمعیت و هر کشوری که موضع خصمانه با آن‌ها داشته باشند و بر ضد اسلام و مسلمانان قیام کنند یا دشمنان اسلام را یاری دهند سرسختانه بایستند و هرگونه پیوند محبت و دوستی را با آن‌ها

---

۱. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ\* إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»

قطع کنند. اما اگر آن‌ها در عین کافر بودن نسبت به اسلام و مسلمانان بی طرف بمانند و یا تمایل داشته باشند، مسلمانان می‌توانند با آن‌ها رابطه دوستانه برقرار سازند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ج ۲۴، ۳۳) لذا این آیات از عدل و نیکی نسبت به هر امتی که رویکرد مسالمت‌آمیز و نیکی دارد، نهی نمی‌کند، بلکه از نیکی و دوستی کردن با اهل حرب، کسانی که نقض عهد کردند و سیاست خصمانه در برابر مسلمانان داشتند، نهی می‌کند. در واقع، خداوند متعال به برائت‌جویی افراطی و بی‌منطق هشدار می‌دهد که در نوع روابط خود با کفار و دشمنان به شکل سنجیده عمل کنند تا کفاری که در قتال و حرب علیه مسلمانان نقشی ندارند، مورد تبری واقع نشوند (ر.ک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ۱۶: ۲۹۹). بر همین اساس در چهار آیه به عفو صفا از اهل کتاب فرمان داده شده است. لذا مراد از عفو مدارا با اهل کتاب، اهل کتابی هستند که سیاست خصمانه و سلطه‌آمیز به مسلمانان ندارند که این آیات محوریت مقاله حاضر است. شایان ذکر است، معیار گزینش آیات مدارا با اهل کتاب، آیاتی است که در ارتباط با اهل کتاب کلیدواژه عفو، صفا و صبر به کار رفته است. در این میان، کاربرت ابزارها و دانش‌های جدید، نوعی تدبیر روشمند در آیات و مصادیق آن شمرده می‌شود. بی‌شک استفاده از مطالعات میان‌رشته‌ای، به‌نوعی استفاده از یک زبان فرااقلمی و جهانی است. مطالعات علوم انسانی به‌طور کلی و مطالعات قرآن و حدیث به‌طور خاص در کشورهای مختلف دنیا اعم از مسلمان و غیرمسلمان در حال فزونی است، از همین رو، جهت برقراری ارتباط با دیگر پژوهشگران نیاز به زبان مشترک است که روش‌های نوین تحلیل متن می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، یکی از نظریه‌های بین‌رشته‌ای در رشته زبان‌شناسی همگانی است. در این روش، اعتقاد بر آن است که در ساخت و سطوح زیرین همه متون، شکلی از ایدئولوژی پنهان است که ساخت و معنی آن را تعیین می‌کند. بنابراین تحلیل گفتمان، ایجاد سازوکار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط گفته یا متن با کارکردهای فکری-اجتماعی آن است (یاراحمدی، ۱۳۹۳ش: ۱۴۳). در این میان، الگوی گفتمان‌کاوی انتقادی فرکلاف از بستر مناسبی برای دریافت محتوای آیات قرآن کریم برخوردار است؛ چرا که در سطوح جامع توصیف، تفسیر و تبیین به رمزگشایی گفتمان می‌پردازد. این مقاله به دنبال آن است تا با روش توصیفی-

تحلیلی و در چارچوب نظریه فرکلاف، مواجهه مداراجویی قرآن کریم با اهل کتاب را مورد بررسی قرار دهد. از این رو، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است: ساختارهای مختلف توصیف، تفسیر و تبیین نظریه فرکلاف در آیات مدارا با اهل کتاب چگونه بازنمایی شده است؟

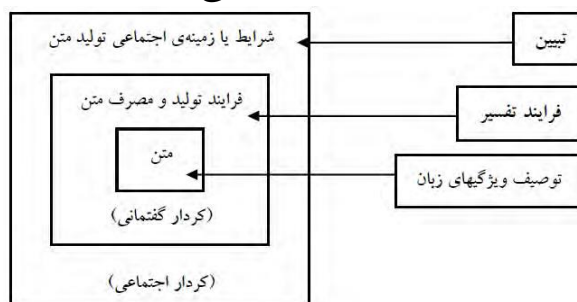
گفتنی است تاکنون پژوهش‌هایی درباره مواجهه قرآن با اهل کتاب و کاربست الگوی فرکلاف در قرآن کریم انجام شده است از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: الشهابی در کتاب «استراتجیه القرآن فی مواجهه الیهودیّه العالمیّه» تنها به یهودیان صهیونیست توجه کرده است و از نگاه قرآن آن‌ها را خطر بزرگی برای اسلام و مسلمین قلمداد کرده و رویکرد تهاجمی به آنان داشته است. طباره در کتاب «الیهود فی القرآن» تنها به آیات مربوط به یهود توجه داشته و به موضوع نصارا پرداخته است. رسولی‌فر (۱۳۹۳) در کتاب «منطق قرآن در برخورد با یهود و نصارا» به تبیین برخورد قرآن با یهود و نصارا توجه داشته و چگونگی نقد و ارزیابی عقاید، اخلاق و رفتار ایشان توسط قرآن کریم را بیان کرده است. مؤمنی (۱۳۹۰) نیز در کتاب «بررسی تحلیلی مواجهه قرآن با یهود» مواضع قرآن در مواجهه با عقاید، اخلاق، سیاست، نظام و اجتماع یهود را تبیین کرده است. سلیمی (۱۳۹۰) در مقاله «تصویر اهل کتاب در قرآن» به طور کلی اهل کتاب را از منظر آیات قرآن بررسی کرده است.

درباره کاربست الگوی فرکلاف در آیات قرآن کریم نیز پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی در سال‌های اخیر نگاشته شده است: پایان‌نامه «تحلیل گفتمان انتقادی سوره آل عمران، بر اساس نظریه نورمن فرکلاف»، مقاله «بررسی قصه یوسف علیه السلام بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف» از حاجی‌زاده و فرهادی (۱۳۹۷)، مقاله «بررسی آیات تحدی بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف» از ذوالفقاری و دست‌رنج (۱۳۹۸)، مقاله «تأملی بر مناجات همسر عمران با رویکرد تحلیل گفتمان» از محمص و بهادری. هرچند آثار مختلفی در حوزه بهره‌گیری از نظریه فرکلاف در آیات قرآن نگارش شده است ولی در هیچ‌یک از آثار به تحلیل گفتمان آیات مدارا با اهل کتاب پرداخته نشده است لذا بستر پژوهش حاضر متفاوت است.

## ۲. چارچوب نظری

رکن اصلی تحلیل گفتمان انتقادی که در اواخر ۱۹۷۰ میلادی سرچشمه می گیرد آن است که گفتمان آن چنان که می نماید و محققان تصور می کنند، خنثی نیست (Blommaert, 2005: 87). در زبان شناسی انتقادی هدف از تجزیه و تحلیل الزاماً کشف معانی پیچیده و غیر عادی موجود در متن نیست؛ بلکه ابهام زدایی و شفاف کردن آن دسته از فرآیندهای مربوط به تولید و درک است که به تحلیل گران این قدرت را می دهد که بتوانند عملکرد ایدئولوژی را در زبان ببینند (kress, 1985: 65). مدل نورمن فرکلاف (Norman Fairclough) از جمله پرکاربردترین مدل ها برای تحلیل گفتمان انتقادی بوده که هدف آن آشکارسازی معانی، اهداف و ایدئولوژی های پنهان در ورای متن و آگاه سازی مخاطبان در این جهت است. از منظر فرکلاف تحلیل متن صرف برای تحلیل گفتمان کافی نیست و بصیرتی درباره پیوند میان متن و ساختارها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی به دست نمی دهد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۳ش: ۱۱۸). وی معتقد است رویکردهای غیرانتقادی در زبان شناسی و مطالعات پدیده های زبانی، به تبیین شیوه های شکل گیری اجتماعی کنش های گفتمانی یا تأثیرات اجتماعی آن ها توجه ندارد و تنها به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد کنش های گفتمانی بسنده می کنند، در حالی که تحلیل انتقادی در بررسی پدیده های زبانی و اعمال گفتمانی به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش فرض های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان توجه کرده است و عناصر زبانی را به همراه دانش زمینه ای فاعلان، هدف و موضوع مطالعه خود قرار داده است (فرکلاف، ۱۳۷۹ش: ۱۲). بر این اساس، هدف فرکلاف تنها توصیف ساختار زبانی متون نیست؛ بلکه این مرحله در خدمت هدف اصلی تحلیل گفتمان است که بررسی رابطه میان گفتمان و روابط قدرت در جامعه است. الگوی فرکلاف از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برخوردار است. مرحله توصیف، پیش فرض مرحله های تفسیر و تبیین قرار دارد. در واقع، هر رخداد ارتباطی، یک متن در نظر گرفته می شود و توصیف مرحله ای است که در آن به ویژگی های صوری متن پرداخته می شود. در این سطح نشان داده می شود، چگونه تفاوت های ایدئولوژیک میان متون در بازنمایی های مختلفی که از جهان ارائه می دهند، در

واژگان آن‌ها رمزگذاری می‌شود (آقاگل‌زاده و طارمی، ۱۳۹۵: ۳۹۸). به عقیده فرکلاف تفسیر، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. مقصود از ذهنیت مفسر، دانش پس‌زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد (Fairclough, 1992: 141). «دانش پس‌زمینه‌ای آن نوع دانشی است که هر شخص بر اساس تجربه‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی خود در ذهن ذخیره می‌نماید و هنگامی که با پدیده و یا موضوع تازه‌ای روبرو می‌گردد و با فراخواندن بخشی از این نوع دانش در صورت شناسایی، مقوله‌بندی و سبب تعریف و تفسیر آن موضوع یا پدیده مبادرت می‌کند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۹). تبیین مرحله‌ای است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد؛ این‌که چگونه فرآیندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند. در این سطح به توضیح چرایی تولید متن از میان امکانات مجاز موجود در زمان خاص، برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد (Fairclough, 1992: 163). فرکلاف هدف از سطح تبیین را توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی دانسته است و بر آن است که تبیین با توصیف گفتمان به‌عنوان کنشی اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند و این‌که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی بر ساختارها دارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختار می‌شوند (Ibid). بدین ترتیب، هر رخداد ارتباطی با روش سه مرحله‌ای یعنی توصیف، تفسیر و تبیین متن، تناظر یک‌به‌یک دارد: توصیف، عناصر روستاخت، تفسیر، رابطه میان فرآیندهای گفتمانی و متن و تبیین رابطه میان فرآیندهای گفتمانی و فرآیندهای اجتماعی را بررسی می‌کند. نمودار ذیل این ارتباط را در سه سطح نشان می‌دهد:



### ۳. آیات مدارا با اهل کتاب

در قرآن کریم واژه مدارا با طیف اعتقادی اهل کتاب به طور مستقیم ذکر نشده است، اما دسته‌ای از آیات که واژه‌های «عفو، صَفْح، غفر، حلم و صبر» در آن‌ها ذکر شده است، دلالت بر مدارا و تحمل اهل کتاب دارد. از این رو، روش نمونه‌گیری پژوهش به صورت غیرتصادفی و هدفمند بوده است که پس از بررسی دقیق این دسته از آیات، چهار آیه در حوزه مدارا با اهل کتاب، تمکیک شد و بر اساس جدول ذیل ترسیم گردید:

| ردیف | آیه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | نوع رفتار اهل کتاب                                                                                        | مواجهه قرآن                             |
|------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------|
| ۱    | وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (البقره: ۱۰۹)                              | علاقه به انحراف مسلمانان از ایمان به سبب حسد                                                              | بخشش تا آمدن فرمان خدا                  |
| ۲    | لَتَبْلُؤَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَىٰ كَثِيرًا وَ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (آل عمران: ۱۸۶)                                                                      | آزارهای زبانی اهل کتاب و مشرکان با شیوه‌های روانی و غیرروانی به مسلمانان                                  | صبر و تقوایی                            |
| ۳    | فَبِمَا نَقُضَهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَ لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (المائده: ۱۳) | خیانت اهل کتاب نسبت به پیمان‌های الهی و کیفرهای خداوند در برابر خیانت‌شان: نفرین، قساوت قلب و فراموشی خدا | بخشش اقلیت غیرخائن از اهل کتاب          |
| ۴    | يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ (المائده: ۱۵)                                                                                                          | پنهان کردن حقایق کتاب آسمانی (تورات) از مردم                                                              | صرف نظر کردن پیامبر ﷺ از بیان همه مطالب |

### ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها



با توجه به چارچوب نظری، رخداد ارتباطی برگزیده برای پژوهش حاضر، آیات مدارا با اهل کتاب است که در سوره‌های مختلف بیان شده‌اند. در این بخش بر اساس الگوی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین و با تأکید بر مؤلفه‌های گفتمان مدارا این آیات تحلیل می‌شود:

#### ۴-۱. توصیف

تحلیل در این سطح، به برچسب‌دهی ویژگی‌های صوری متن اکتفا می‌کند و متن را به مثابه یک شیء در نظر می‌گیرد. در این مرحله از تحلیل گفتمان با توصیف خصوصیات صوری واژه‌ها و روابط مفهومی آن‌ها با یکدیگر و نیز ویژگی‌های نحوی آیات، تلاش می‌شود تا کشف معانی بیش از صورت زبانی انجام پذیرد (آقاگل‌زاده و طارمی، ۱۳۹۵: ۴۰۰). در نتیجه می‌توان گفت که هدف از سطح توصیف، شناختن ارتباط منطقی بین واژگان و معنا در متن است. در تحلیل گفتمان آیات مدارا با اهل کتاب به برجسته‌ترین شاخص‌های واژگانی و دستوری اشاره می‌کند:

#### ۴-۱-۱. ارزش بیانی واژه‌ها

واژه‌های دارای ارزش بیانی، در بردارنده ارزشیابی مولد متن از جهان بوده و بیانگر ایدئولوژی او هستند (Fairclough, 1989: 119). در گفتمان، هر واژه با اهدافی خاص انتخاب می‌شود، بدین معنا که انتخاب نوع واژگان و کلمات به معنای این است که گوینده از زبان و قدرت واژگان در انتقال ایدئولوژی به مخاطب کمک گرفته است و متن را در قالب مجموعه‌ای که باورش را به همراه دارد، به مخاطب انتقال می‌دهد.

واژگان عفو صفت در این آیات از جمله واژگان کلیدی هستند که مدارا و گفتمان مسالمت‌آمیز با اهل کتاب را آشکار می‌کند. عفو به معنای صرف نظر کردن از خطاها و جهات ضعف است و در صورتی که عصیانی از روی بی‌توجهی یا بدون نیت سوء پیش آید و پس از آن حالت ندامتی پیدا شود، خداوند متعال به مقتضای رحمت و لطف عمومی خود، از عصیان صرف نظر خواهد کرد و در مرتبه دوم آثار و لوازم آن عصیان را می‌پوشاند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ج ۸، ۱۸۲-۱۸۳). صفت در لغت به معنای پهلو جانب و روی هر چیز است؛ مثل صفحه

صورت و صفحه سنگ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۲۲) و نیز به معنای اعراض کردن بیان شده است (صاحب، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۴۶۴). صفع بلیغ تر و رساتر از عفو است؛ زیرا در صفع علاوه بر گذشت از خطای فرد، هیچ گونه عتاب و سرزنشی را نیز به دنبال ندارد و اینکه شخص با فرد خطاکار، با روی گشاده برخورد می کند، گویی اصلاً خطایی از طرف مقابل ندیده است؛ لذا گاهی انسان عفو می کند، اما صفع نمی کند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۸۶؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۱، ۳۸۲-۳۸۳) کار بست این دو واژه در آیات مزبور با توجه به سیاق و بافت موقعیتی معنای خاص خود است: گفتمان الهی در برابر حسادت و توطئه اهل کتاب دستور «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا» (البقره: ۱۰۹) می دهد. مراد از عفو صفع ترک جنگ و اعراض از جواب دادن به آزار و اذیت اهل کتاب می باشد (حقی بروسوی، بی تا، ۱: ۲۵). عبارت «حتی یأتی الله بأمره» به محدود بودن فرمان عفو صفع اشاره دارد؛ یعنی این حکم دارای آجل مسماست و با رسیدن آن منتفی می شود و آن اینکه با آنان جهاد کنید تا مسلمان شوند یا اینکه تا امر خدا بیاید که این امر در آیه جزیه<sup>۱</sup> (التوبه: ۲۹) بیان شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ۳۵۴؛ ابن عاشور، بی تا: ج ۱، ۶۵۳). برخی مفسران واژه «أمر» را به معنای کشتن بنی قریظه و تبعید بنی نضیر در نظر گرفته اند (طبرسی، ۱۳۷۷ش: ج ۱، ۷۷). بنابراین فرمان عفو دشمن، به صورت موقت و تا زمانی است که مسلمانان دلسرد و دشمنان جسور نشوند. برخی مفسران معتقدند آیه ۱۰۹ سوره بقره به وسیله آیات جهاد (التوبه: ۵، ۲۹) نسخ شد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ۳۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۳۵۶) اما تعبیر به نسخ در این آیه صحیح نیست، چرا که نسخ آن است که حکمی ظاهراً به صورت نامحدود تشریح گردد اما در باطن موقت باشد، ولی حکم عفو گذشت در آیه ۱۰۹ سوره بقره در شکل محدود بیان شده است، محدود به زمانی که فرمان الهی دائر به جهاد نیامده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ۳۹۹).

اهل کتاب به سبب پیمان شکنی و خیانت نسبت به پیمان خداوند دچار کیفیهای خاص

---

۱. جزیه مالی است که از اهل کتاب به جهت سکونت شان در دارالاسلام گرفته می شود (حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۹، ۲۷۵). لذا جزیه تنها از اهل کتاب گرفته می شود و در شمول آن بر تمام فرقه های یهودی و مسیحی تردیدی نیست (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۷۰؛ ماوردی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۳).

شدند: نفرین الهی که مصداق بارز آن دوری از رحمت خاص الهی و محرومیت از معرفت و محبت اوست. قساوت قلب که ثمره آن تحریف کتاب آسمانی (تورات) و افترا به خداوند بود و در نتیجه خداوند وحی را فراموش کردند (المائده: ۱۳) که منظور اکثریت اهل کتاب هستند. در عین حال گفتمان الهی، حقوق اقلیت غیرخائن یهود را نادیده نمی‌گیرد و آن‌ها را استثنا می‌کند: «وَلَا تَزَالُ تَطَّلُعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» ساختار استثنا در «إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ» یهودیانی هستند که مسلمان شدند و صادقانه اسلام را برگزیدند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۳: ۳۲) و این عبارت رعایت انصاف در برخورد با دشمن، را می‌رساند اینکه همه بنی اسرائیل خیانت‌کار نبودند لذا قرآن کریم حق نیکان و پرهیزکاران اندک یهود را رعایت کرده و آنان را استثنا می‌کند. با هم‌آبی امر به عفو صفح از آنان با واژه «الْمُحْسِنِينَ»، این معنا را افاده می‌کند که عفو گذشت از این گروه اهل کتاب احسان و نیکی است و هر محسنی محبوب و مورد عنایت خاص خداست، پس این گذشت محبوب الهی است. برخی مفسران مفاد استثنا را مربوط به اکثریت ناصالح اهل کتاب می‌دانند؛ زیرا اقلیت صالح خیانتی نکرده‌اند که مشمول عفو شوند، ولی به‌طور مسلم این گذشت و عفو در مورد آزارهایی است که به شخص پیامبر ﷺ رسانیدند نه در مسائل هدفی و اصولی اسلام که در آن‌ها گذشت معنی ندارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ج ۴، ۳۱۳). برخی نیز معتقدند عفو در آیه مشروط به شرط توبه و یا قبول جزیه است (ر.ک: طوسی، بی تا: ج ۳، ۴۷۱؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ۳۰۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۲۶۲). همچنین برخی مفسران نیز معتقدند این آیه با آیه سیف (التوبه: ۵) نسخ شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۱، ۳۲۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۱۱۹). آیه سیف ناظر به مشرکان است ولی آیه مورد بحث درباره گروهی از اهل کتاب و ارتباط مصداقی با هم ندارند تا یکی ناسخ دیگری باشد.

عالمان اهل کتاب همواره بسیاری از حقایقی را که در تورات و انجیل آمده بود، همچون شاخصه‌های رسالت پیامبر اکرم ﷺ (الأعراف: ۱۵۷؛ الفتح: ۲۹) پنهان می‌کردند، ولی پیامبر ﷺ از راه وحی آگاه شده و مطالب اساسی همچون توحید و نبوت را برای مردم بیان می‌کرد، ولی پاره‌ای از حقایقی که مربوط به امت‌های پیشین بوده و بیان آن‌ها اثر قابل

ملاحظه‌ای در تربیت ائمت نداشته از ذکر آن‌ها صرف نظر کرد: «و یعفوا عن کثیر» بر این اساس عفو برای آن بود که اظهار آن مطالب لزومی نداشت و در حیطة عفو غیر رفتاری است. صبر و تقوا از دیگر واژگان دارای بار ایدئولوژیک در آیه ۱۸۶ آل عمران است. در این آیه خداوند بعد از بازگویی جاری شدن سنت امتحان بر مؤمنان به آنان خبر می‌دهد که سخنان دردآور اهل کتاب و مشرکان درباره آنان تکرار خواهد شد و باید در برابر آن صبر و تقوا پیشه کنند تا خداوند آن‌ها را از سستی و لغزش ننگه دارد و عزم آنان استوار بماند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ۸۴). مراد از «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» یهود و نصاریست؛ زیرا تورات و انجیل پیش از قرآن نازل شدند و مقصود از «وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا» عرب‌هایی هستند که ضد پیامبر ﷺ اعلان جنگ دادند (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ۲۲۴). عطف این دو عبارت از پیوند یهودیان و مشرکان پرده برمی‌دارد اینکه همواره بر ضد مسلمانان جنگ روانی داشته و دارند. گفتمان الهی در برابر این رفتار اهل کتاب، مؤمنان را به صبر و تقوا فرا می‌خواند تا خداوند متعال از لغزش و سستی حفظشان فرماید و هم چنان دارای عزم و اراده بمانند. عبارت «فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» یعنی صبر و تقوا از اموری هستند که همت والا می‌طلبند یا این عزم باید از سوی مؤمنان باشد و یا اینکه خداوند متعال به‌طور قطع مقرر داشته است باید انجام پذیرد و اگر می‌خواهند مؤمن باشند، قطعاً باید بردبار باشند و تقوا پیشه کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۵۰).

#### ۴-۱-۲. هم‌معنایی<sup>۱</sup>

هم‌معنایی به معنای استفاده از عبارات واژگانی است که کم‌وبیش اما نه کاملاً، معنایی یکسان دارند؛ اما با واژه‌های مختلف در گفتمان صورت‌بندی شده‌اند. تشابه معنایی اهمیت موضوع را نشان می‌دهد که مولد متن خواهان انتقال آن به مخاطب است و نیز به‌منظور برجسته‌سازی و تأکید بر مطلب استفاده می‌شود. گفتمان الهی با کاربست هم‌معنایی آن را در جهت تأکید بر مفهوم و معنای خاص استفاده می‌کند.

صبر و تقوا در یک حوزه معنایی جای دارند: «وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»

صبر بردباری و نگهداری نفس از اضطراب و تزلزل و جزع است و پیدا کردن حالت طمأنینه و سکون نفس، تا فرد بتواند در برنامه خود ثابت قدم باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۶، ۱۸۲) تقوا از ماده «وقی» به معنای بازدارندگی و نگهداری و صیانت از آسیب‌هاست (ابن فارس، بی تا: ج ۶، ۱۳۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۴۰۱) هم‌نشینی واژه‌های صبر و تقوا در این آیه، القاء‌کننده ارتباط وثیق این دو خصیصه در تعامل با دیگران و بروز رفتارهای نیکوی انسانی حتی در تعامل با اهل کتاب است که این‌گونه رفتار منجر به تنش‌زدایی در جامعه خواهد شد. همچنین تقارن «صبر» و «تقوی» اشاره به این است که بعضی افراد در عین استقامت و شکیبایی، زبان به ناشکری و شکایت باز می‌کنند، ولی مؤمنان واقعی صبر و استقامت را همواره با تقوی می‌آمیزند و از این امور دورند.

در گزاره‌های «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ» و «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ» همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد، عفو صَفْح به لحاظ معنایی با یکدیگر قرابت دارند. بدین ترتیب، واژه‌های متقارب «صبر و تقوا»، «عفو صَفْح» حاکی از سعی گفتمان الهی جهت تأکید و القای بار معنایی بیشتر بر لزوم خودکنترلی در مواجهه با اهل کتاب می‌باشد.

#### ۳-۱-۴. تحلیل دستوری

یکی دیگر از خصوصیات صوری متن، تحلیل دستوری و مشخص کردن نوع جملات است. کاربست افعال مختلف در زبان عربی در بردارنده معنایی است که به خواننده یا شنونده منتقل می‌کند که از نظر تأکید و بار معنایی با شکل‌های دیگر جمله تفاوت دارد. انواع جملات در آیات مذکور در قالب جدول ذیل ارائه شده است:

| جمله  | مضارع | ماضی | امر | معلوم | مجهول | شرط | اسمیه | فعلیه |
|-------|-------|------|-----|-------|-------|-----|-------|-------|
| تعداد | ۱۶    | ۹    | ۴   | ۲۸    | ۰     | ۵   | ۶     | ۲۸    |

با استفاده از یافته‌های این جدول، جملات فعلیه، معلوم، مضارع پرسامدترین قالب‌های ظیبانی در آیات است و در مرتبه بعد جملات ماضی، امر، اسمیه و شرط از بسامد قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. در گفتمان الهی خداوند متعال ایدئولوژی خود را در ارتباط

مداراگونه با اهل کتاب در قالب جملات فعلیه معلوم بیان کرده است؛ افعال معلوم برخلاف افعال مجهول، کنشگر (فاعل) را مهم تر از کنش برجسته می سازند؛ زیرا از سوی قدرت و ایدئولوژی حاکم بر جامعه حمایت می شوند (ر.ک: عکاشه، ۲۰۰۵: ۶۵). گفتمان الهی قدرت و سلطه را در دست دارد که این امر با بافت موقعیتی نزول آیات که در مدینه است، کاملاً متناسب است. از سوی دیگر، مشخص بودن فاعل فعل ها در اقتناع مخاطب تأثیر زیادی دارد؛ چرا که پیامبر ﷺ از سوی خداوند امر به رویه مدارامحورانه با اهل کتاب شده و مسلمانان نیز باید به این رویه پای بند باشند.

کاربست افعال امر در آیات بیانگر وجهیت<sup>۱</sup> افعال است. وجهیت یعنی میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره که به طور ضمنی، به وسیله عناصر دستوری نشان داده می شود و بیان کننده منظور یا قصد کلی یک گوینده یا درجه پای بندی او به واقعیت یک گزاره یا باورپذیری، اجبار یا اشتیاق نسبت به آن است (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۰ش: ۲۸۵). فعل امر یکی از ساختارهای گفتمانی است که در آیات دارای بار ایدئولوژیک است:

• «فَاعْمُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ»

• «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ»

ساختار امر، نشانه وجهیت رابطه ای وجهیت بیانی است؛ در وجه امر، میزان جزمیت و قطعیت کلام ارتقاء می یابد و شخص از موضع قدرت سخن می گوید، لذا کاربست نظام گفتمان دستوری، نشانگر جایگاه برتر گفتمان الهی است اینکه کنش گزار با توجه به جایگاه برتر خویش در موقعی از اهل کتاب عفو نموده است و این اوامر تذکری برای امت اسلامی در نحوه مواجهه با اهل کتاب است تا مظهر عفو الهی واقع شوند.

کاربست جملات اسمیه با حرف تأکید «إِنَّ» در آیات نیز قابل ملاحظه است:

«فَاعْمُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

«وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»

«وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُحْسِنِينَ»

در تمامی عبارات فوق، حرف تأکید «إِنَّ» بر سر جمله اسمیه آورده شده است و در جمله دوم ادات تأکید «ف» نیز بیان شده است. استفاده از الگوی جملات اسمیه و این تأکیدات مبین قاطعیت کلام الهی در کمک‌رسانی به مؤمنان است؛ یعنی اگر مؤمنان عفو مدارا و صبر و تقوا داشته باشند قطعاً خداوند به آنان کمک خواهد کرد؛ چرا که خداوند بر هر کاری تواناست و از طرف دیگر، خداوند دوست‌دار نیکوکاران و عدالت‌پیشگان است.

کاربست جملات مضارع نیز در آیات قابل تأمل است:

«لَتُبْلَوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ...»

«... وَ لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ...»

فعل مضارع «لَتُبْلَوَنَّ» و «وَلَتَسْمَعَنَّ» بر استمرار آزار آنان نسبت به مسلمانان دلالت دارد لذا جنگ روانی یهودیان بر ضد مسلمانان به زمان پیامبر ﷺ اختصاص نداشته و همواره چنین بوده و خواهد بود، لذا جنگ روانی میان اسلام و کفر، از اقسام امتحان الهی است. فعل مضارع استمراری «لَا تَزَالُ» یعنی نه تنها در حیات پیامبر ﷺ بلکه روش اهل کتاب از زمان حضرت موسی ﷺ تاکنون چنین بود و خوی بدعهدی دارند.

#### ۲-۴. تفسیر

فرکلاف در سطح تفسیر به دنبال این است که مفسران چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفسیر، نوع گفتمان را مشخص می‌کند. در مرحله تفسیر به بافت موقعیتی و نظم گفتمانی آیات توجه می‌شود:

#### ۱-۲-۴. بافت موقعیتی

از نظر فرکلاف آنچه نوع گفتمان را مشخص می‌سازد زمینه موقعیتی است که گفتمان در آن جریان می‌یابد. بررسی موقعیت گفتمان نیز از طریق مولفه‌هایی چون «چیستی ماجرا»، «طرف‌های درگیر در ماجرا»، «روابط میان افراد درگیر در ماجرا» امکان‌پذیر است (Fairclough, 1996: 146). در این بخش به منظور مشخص شدن مواردی که می‌توان مدارا با اهل کتاب ورزید، بافت موقعیتی هر یک از آیات بیان می‌شود:

نقطه عطف در بافت موقعیتی آیات بیان شده، دسیسه‌ها و اقدامات خصمانه یهودیان در

تقابل با گفتمان پیامبر ﷺ و مسلمانان است که هر یک از طرفین گفتمان ایدئولوژی خاص خود را دارند. ورود پیامبر ﷺ به مدینه و گسترش اسلام به سرزمین های مختلف و قدرت یافتن اسلام منجر شد تا مخالفان اسلام به مبارزه با آن پردازند، یکی از مخالفان سرسخت اسلام، اهل کتاب بودند که با هم پیمان شدن با مشرکان سعی داشتند به اسلام ضربه بزنند. گفتمان اهل کتاب در صدد بود با توطئه و نیرنگ های مختلف، اسلام را نابود کند و گفتمان اسلام در مقابل گفتمان اهل کتاب قرار گرفته و به مبارزه و افشاسازی اهداف گفتمانی آنان می پردازد. بدین ترتیب، گفتمان اسلام در موضع قدرت قرار دارد به همین سبب به صراحت به افشای باطن و حقیقت اهداف اهل کتاب می پردازد، ضمن آنکه در برخی آیات مدارا با اهل کتاب را مورد توجه قرار داده است که در این بخش مناسبت دارد تا به بازسازی فرایند تولید متن پرداخته شود:

آیه ۱۰۹ سوره بقره درباره حی بن اخطب و کعب بن اشرف و برخی یهودیانی نازل شد که اظهار دشمنی با پیامبر ﷺ تا هنگام مرگ خویش را داشتند و به سبب حسادت تلاش می کردند مسلمانان بعد از ایمان آوردن به سوی کفر بازگردند (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۳۸). قرآن کریم درباره این رفتار اهل کتاب دستور عفو صفاحه داده است: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا» با توجه به ترتیب نزول سوره بقره به عنوان نخستین سوره مدنی (زرکشی، ۱۹۵۷م، ۱: ۱۹۴) و این مقطع زمانی بود که مسلمانان در اوج قدرت قرار داشتند، مستفاد از دستور عفو به مسلمانان این است که مسلمانان اکنون نیز مقتدرند و چنانچه مبارزه کنند با نصرت الهی پیروزند، لیکن اعمال قدرت به آینده موکول است تا امر الهی بیاید (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ج ۶، ۱۶۱).

آیه ۱۸۶ سوره آل عمران در فضای جنگ اُحد یا پس از آن یعنی سال سوم هجرت نازل شده است که سخن از امتحانات تشریعی الهی بر مسلمانان است و این هنگامی است که مسلمانان، از مکه به مدینه مهاجرت نمودند و از خانه و زندگی خود دور شدند و مشرکان دست تجاوز به اموال آن ها زده به تصرف خود درآوردند و هنگامی که به مدینه آمدند، در آنجا گرفتار بدگویی و آزار یهودیان مدینه شدند (ر.ک: واحدی، ۱۴۱۱ق، ۱۳۸-۱۳۹). گفتمان الهی در برابر این آزارهای زبانی اهل کتاب، دستور صبر و تقوا داده است و مسلمانان را به ادامه مقاومت تشویق می نماید



با توجه به ترتیب نزول سوره‌های قرآن، سوره مائده در اواخر عمر پیامبر ﷺ نازل شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۵، ۱۵۷). در این زمان پیامبر ﷺ و مسلمانان در اوج قدرت قرار داشتند. قرآن کریم در برابر اقلیت صالح اهل کتاب امر به عفو (المائده: ۱۳) نموده و عفو پیامبر ﷺ از کتمان اهل کتاب نسبت به مطالب مندرج در کتاب مقدس (المائده: ۱۵) را گزارش می‌دهد. این موضوع بدین معناست که هرچند در آن موقعیت مسلمانان قدرت داشتند، ولی با اهل کتاب مدارا نمودند؛ چراکه با وجود شمار روزافزون مسلمانان (النصر: ۲)، در آن شرایط اهل کتاب نمی‌توانستند به آنان آسیب برسانند، در واقع، دستور به عفو با یهودیان، زمانی صادر شد که اسلام چنان نیرومند شده بود که حيله يهود نمی‌توانست به مسلمانان ضربه برساند و گفتمان الهی زکاتِ قدرت مسلمانان را در عفو صفح از آنان قرار داده است.

#### ۴-۲-۲. ابعاد روانی

تحلیل گفتمان نه یک رویکرد واحد، بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که می‌توان از آن‌ها در انواع گوناگون مطالعه‌ها و برای کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی استفاده کرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۷، ۱۷). این روش بین‌رشته‌ای پل ارتباطی میان رشته‌های مختلف از جمله زبان‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ و غیره است. یکی از مؤلفه‌ها قابل توجه در آیات بیان شده، تبیین ابعاد روانی عفو نسبت به اهل کتاب است. تأثیر ابعاد روحی و روانی، از جمله عواملی است که تولیدکننده گفتمان به وسیله آن تلاش می‌کند ایدئولوژی خود را در گفتمان بهتر بازنمایی نماید. گفتمان الهی در خصوص مدارا با اهل کتاب، گفتمان کنش و حالات روانی آنان را که در طرحواره ذهنی مخاطبان قرار دارد و با آن‌ها مواجه بودند، بیان می‌کند تا با ایجاد کنش ارتباطی لازم با مخاطبان، ارتباط عمیقی میان ایدئولوژی گفتمان اهل کتاب و نحوه مواجهه مسلمانان با آنان برقرار سازد. بیان کنش‌های روانی منافقان، به دلیل عینی بودن، به عملکردهای واقعی مشارکان گفتمان نزدیک‌ترند و در کاهش فاصله ادراکی اثرگذار هستند و به زمینه‌های اقتناعی گفتمان مدد می‌رساند. یکی از مهم‌ترین ابعاد روانی اهل کتاب، دسیسه‌های حسودانه آنان با وجود

آگاهی و روشن شدن حق بود چرا که به این قناعت نمی کردند که خود آئین اسلام را نپذیرند بلکه اصرار داشتند که مؤمنان نیز از ایمانشان باز گردند و انگیزه آنان در این امر چیزی جز حسد نبود (البقره: ۱۰۹). رشک و حسادت با جان انسان چنین می کند که در او میلی شدید به محروم شدن دیگران از هر خیری که بدان رسیده اند، پدید آورد، آن هم بعد از آنکه حق بر انسان آشکار شده است (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ۱: ۱۰۲). قرآن کریم در برابر این حسادت اهل کتاب، دستور به عفو صفا می دهد؛ یعنی سیره ناپسند اهل کتاب به ویژه یهود، نامحمود بود؛ تنگ نظری آن ها که علاقه ای به ترقی مسلمانان نداشتند، حسادت ورزی آنان از اینکه مسلمانان به کمال ایمان صحیح باریافتند و توطئه آن ها برای ارتدادشان به شرك جاهلی، همگی زمینه مبارزه منفی، طرد، لعن، طعن، عداوت و کینه توزی متقابل مسلمانان را فراهم می کند، در چنین فضایی خداوند متعال پس از فرمان عفو صفا، صفت قدرت خویش را متذکر می شود: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (البقره: ۱۰۹) توجه دادن به قدرت الهی، با انجام فرمان عفو صفا الهی ارتباط وثیق و معناداری دارد که به لحاظ روان شناختی در ابعاد مختلفی قابل تأمل است. یکی از مهم ترین موانع روان شناختی گذشت از کسانی که ظلمی به ما کرده اند این است که آن ها را مستحق عقوبت می دانیم، لذا حق خود می دانیم که چنانچه قدرت داشته باشیم، از آن ها انتقام بگیریم. اعتقاد به قدرت الهی و اینکه چنانچه آن ها مستحق عقوبت باشند، خداوند متعال می تواند آن ها را در دنیا و آخرت عقاب نماید، تأثیر مهمی در رفع این مانع روان شناختی و صدور رفتار مدارا محور با اهل کتاب است. براین اساس، بسیاری از مفسران توجه دادن به قدرت الهی در پایان آیه ۱۰۹ را ناظر بر قدرت خداوند بر انتقام و تعذیب ایشان در دنیا و آخرت دانسته اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱: ۳۵۴؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ۱: ۳۵؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ۱: ۲۵۸). لذا خداوند می فرماید من قدرت هرگونه انتقامی را از دشمنان تان دارم و لازم نیست که شما به فکر انتقام باشید. مانع دیگری که به لحاظ روان شناختی ممکن است مسلمانان برای انجام فرمان الهی صفا از اهل کتاب دچار شوند، عدم رضایت نفس به این فرمان است. این موضوع به ویژه در عصر حاضر قابل مشاهده است اینکه افراد زیادی نسبت به انجام احکام و عبادات الهی کاملاً فرمانبردارند، ولی نسبت به برخی فرامین الهی، اطاعت پذیری و انقیاد لازم را ندارند و فاقد

اخلاق متواضعانه‌اند. در فرمان به عفو صفح نسبت به افرادی که به آنان ظلم کرده‌اند و قدرت انتقام نیز داشته باشند بدون توجه به فرمان الهی، معتقدند که باید انتقام بگیرند. درحالی‌که توجه به قدرت الهی که منشأ آن خالقیت و مالکیت حقیقی خداست (الإسراء: ۹۹؛ یس: ۸۱؛ الإحکاف: ۳۳)، پس از امر به عفو صفح بیانگر آن است خداوند قادر است هر حکمی نماید و اگر بنده می‌خواهد به کمال راه یابد، باید فرامین الهی را اطاعت نماید. از این رو، برخی مفسران، قدرت الهی را به قدرت مطلق فرمانروایی و صدور هرگونه امر و نهی تفسیر کرده‌اند. اینکه «قدیر» بر احاطه علمی خداوند به مقتضیات نظام جامعه اسلام دلالت دارد و اینکه خداوند احکام را بر حسب مصالح جوامع و انسان‌ها تدبیر کرده است (ر.ک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۲۹۲). مانع روان‌شناختی دیگر، برای صفح از اهل کتاب این است که انسانی که به او ظلم و تجاوز شده است، چنانچه بخواهد از ظالم بگذرد، احساس خواری و ذلت به او دست می‌دهد. ایمان به قدرت بی‌پایان الهی و اینکه قدرت حقیقی از آن اوست، هر که را بخواهد، نیرو می‌بخشد و هر که را بخواهد، ذلیل می‌گرداند، به انسان مؤمن و معتقد کمک می‌کند تا بر این مانع روان‌شناختی فائق آید. لذا برخی مفسران با توجه به این اصل اعتقادی و تربیتی معتقدند مفهوم قدرت الهی در این آیه چنین است: خداوند متعال هر کس را بخواهد نیرو می‌دهد و پیروز می‌گرداند و هر که را بخواهد ضعیف می‌گرداند و مغلوب می‌کند (ر.ک: ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ۱: ۱۵۸؛ طیب، ۱۳۷۸، ۲: ۱۴۹). بدین ترتیب، خداوند متعال با بیان انگاره اعتقادی قدرت خویش، مؤمنان را به صفح و عفو در برابر اهل کتاب ترغیب می‌نماید. ضمن آنکه دستور به عفو صفح در زمان قدرت مسلمانان این موضوع را می‌رساند که اگر دشمن قابل اصلاح است اصلاح شود، به تعبیر دیگر، در برابر دشمن هرگز نباید خشونت، نخستین برنامه باشد، بلکه اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که نخستین برنامه عفو گذشت باشد، اگر مؤثر نشد آنگاه متوسل به خشونت شوند.

نحوه مواجهه قرآن در برخورد مداراگونه با اهل کتاب به‌ویژه دستور به عفو گذشت از آزار و اذیت‌های آنان نیز به لحاظ روان‌شناسی قابل توجه است. وضعیتی که مسلمان تحت عمل ظالمانه اهل کتاب قرار می‌گیرند که منجر به تنش و پرخاشگری خواهد شد، ولی گفتمان

الهی در برابر این واکنش‌ها توصیه به عفو صبر کرده است. از دیدگاه روان‌شناسان عفو بخشش به‌مثابه فضیلتی اخلاقی صرفاً تلاش برای فراموشی لغزش یا نادیده گرفتن آن نیست؛ فرد با این اقدام، از حق خسارت و انتقام آگاه است؛ اما از آن چشم‌پوشی می‌کند (ر.ک: نلسون، ۱۳۹۵ش: ۵۵۶) در واقع، بخشش فرایند گذشتن از خطای دیگران است که به علت انگیزه آرامش درونی، بهبود روابط با خاطی و انجام رفتار ارزشی صورت می‌گیرد و دارای پیامدهای رهایی از احساس منفی نسبت به فرد خطاکار، غلبه بر رنجش حاصل از بدی و پرهیز از عصبانیت و انتقام نسبت به فرد خطاکار می‌باشد (Enright & et al, 1998: 43). عفو بخشش به دو شکل انتخابی و احساسی قابل تحقق است: «انتخابی» مستلزم رفتاری از سر بزرگ‌منشی با شخص خطاکار است؛ به‌صورتی که گویی خطایی رخ نداده است. اما در «احساسی» فرد می‌کوشد از میزان احساسات منفی خود که ناشی از رفتار خطاکار است، بکاهد (Worthington & Scherer, 2004: 358). به نظر می‌رسد آنچه در آیات برای عفو از اهل کتاب بیان شده عفو انتخابی است.

#### ۳-۴. تبیین

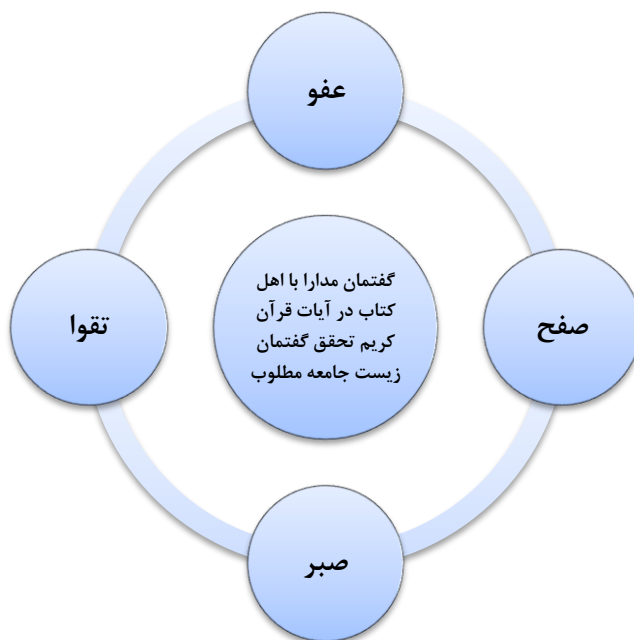
هدف محقق در مرحله تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از کنش اجتماعی است و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. این سطح از تحلیل گفتمان روابطی از قدرت را که در شکل دادن به گفتمان مؤثر است واکاوی کرده و به این پرسش بنیادین پاسخ می‌دهد که آیا گفتمان در خدمت روابط موجود قدرت است یا در جهت دگرگون‌سازی آن عمل می‌کند؟ (Fairclough, 1989: 166). این مرحله از گفتمان‌کاوی نسبت به دو مرحله قبل در مرتبه‌ای ژرف‌تر قرار دارد؛ زیرا زوایای کاملاً پنهان علت تولید متن را نمایان می‌سازد.

از آنجا که استقرار حکومت اسلام در مدینه نوعی تغییر در گفتمان‌های موجود در جامعه اسلامی را رقم زد و این امر موجب تمایز فضای جامعه از فضای پیش از خود گردید و منجر به نظم گفتمان جدید (گفتمان اسلام) شد. گفتمان الهی، گفتمانی است که در منازعه و رقابت با گفتمان‌های کفر، نفاق، شرک و اهل کتاب در جایگاه فرادستی و در موضع قدرت

قرار گرفت و آن‌ها را به حاشیه راند. گفتمان قرآن در مواجهه با اهل کتاب ضمن گفتمان انتقادی و افشاسازی حقیقت آنان، گفتمان مسالمت‌آمیز و مدارا را نیز دربردارد. در مسیر تحقق این گفتمان، گونه‌های مختلف مدارا با اهل کتاب بیان شده است: ۱- مدارا در مواردی که اهل کتاب آیات الهی را مخفی می‌کردند و پیامبر ﷺ آن‌ها را تبیین می‌نمود (المائده: ۱۵) ۲- مدارا در شنیدن آزار و اذیت‌های زبانی اهل کتاب (آل عمران: ۱۸۶) ۳- مدارا در برابر بدرفتاری‌های آنان با مسلمانان که در تمامی این موارد پیامبر ﷺ و در مرتبه بعد مسلمانان با اظهار بخشش و صبر، رویه مدارا را در پیش می‌گرفتند (المائده: ۱۳؛ البقره: ۱۰۹).

عفو صفح از مهم‌ترین ایدئولوژی‌های بیان شده در آیات مدارا با اهل کتاب است. به‌طور کلی، اصل اخلاقی حاکم بر روابط اجتماعی در نگره قرآن کریم، برخورد مهربانانه با هر انسان است: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (البقره: ۸۳) و آنچه در باره اهل کتاب وارد شده نیز بر همین اساس است.

گفتمان قرآن، مجموعه‌ای از لایه‌های معنایی متعدد است. این ویژگی، زمینه را برای کشف لایه‌های ژرف آیات فراهم می‌سازد. منظورشناسی گفتمان قرآن نشان می‌دهد که خداوند متعال در این آیات در ضمن تعامل مسالمت‌آمیز و مدارا با اهل کتاب از ایدئولوژی حفظ کرامت انسانی و زمینه‌سازی برای هدایت اهل کتاب پرده برمی‌دارد. توجه به کرامت انسانی یکی از مهم‌ترین اصول بیان شده در ارتباط با اهل کتاب است. از این رو، هرگونه آسیب در روابط اجتماعی که کرامت انسان را از بین ببرد و توهین به جایگاه او نماید، برخلاف اصول شرعی شمرده می‌شود. توجه به مدارا با اهل کتابی که سرِ خصومت با مسلمانان ندارند، در روابط میان فردی و اجتماعی موجب از بین رفتن تفاخر و جمود فکری و نظم بخشیدن به جامعه اسلامی می‌شود و در مواردی هم زمینه و فرصت برای هدایت و جذب آنان به دین اسلام خواهد شد. بدین ترتیب، با مخالفان نباید فوراً به خشونت برخورد کرد، گاهی لازم است حتی با علم به کینه و حسادت آن‌ها، با ایشان مدارا نمود (البقره: ۱۰۹) و در برابر آزار و اذیت‌ها صبر و تقوا پیشه کرد (آل عمران: ۱۸۶).

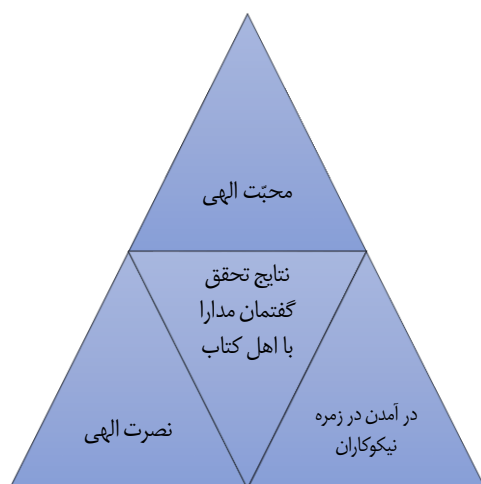


گفتمان الهی مجموعه به هم پیوسته است که باید به ارتباط آیات توجه کرد. از این رو، رابطه آیات عفو صفح از اهل کتاب با آیات قتال از نوع، اطلاق و تقييد يا عام و خاص است و در مواردی به عنوان حکم ثانوی جنگ و جهاد با اهل کتاب جایز شمرده شده است: ۱- اگر اهل کتاب اقدام به فتنه و جنگ علیه مسلمانان کنند، جهاد با آنان جایز است (البقره: ۱۹۰). ۲- زمانی که اهل کتاب در سرزمین های اسلامی زندگی کنند و از دادن جزیه خودداری نمایند (التوبه: ۲۹). براین اساس، حکم جهاد با اهل کتاب فقط در این موارد اختصاص دارد. گفتمانی است، جزیه مظهر رعایت عدالت اجتماعی میان ساکنان مسلمان و غیرمسلمان یک سرزمین است (زحیلی، ۱۴۱۹ق: ۶۹۲) و چون با رضایت دو طرف قرارداد ذمه و با توجه به توانایی مالی ذمیان گرفته می شود، نمی توان آن را کیفر دانست (کلاتری، ۱۴۱۶ق: ۲۴) در واقع، هدف اساسی از انعقاد قرارداد ذمه، درهم آمیختن ذمیان با مسلمانان و آشنا شدن آن ها با دین اسلام بوده است و به نوعی فراهم کردن زمینه برای پذیرش اسلام است (ر.ک: عزیزان، ۱۳۹۲ش: ۱۸۷) چنانکه مطابق کلام امام صادق (ع)، پرداخت جزیه برای ذمی زمینه ساز روی آوردن به اسلام است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۵۶۶)

#### ۴-۴- نتایج تحقق گفتمان مدارا با اهل کتاب

تحقق یافتن گفتمان مدارا با اهل کتاب با دال‌های «محبت الهی» (المائدة: ۱۳)، «در آمدن در زمره نیکوکاران» (المائدة: ۱۳) و «نصرت الهی» (البقره: ۱۰۹) که در فضای گفتمانی آیات مدارا با اهل کتاب است، صورت خواهد گرفت. در الگوی زیست مطلوب در مواجهه با اهل کتاب، گفتمان الهی جهت اقتناع و مجاب‌سازی مخاطبان نتایجی را بیان کرده است که در این بخش این نتایج بیان می‌شود:

عفو صفح از خطای اهل کتاب، قلوب انسان را خالص و بستری برای رحمت الهی می‌سازد و فرد را در زمره نیکوکاران قرار خواهد داد: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». براین اساس، عفو صفح از مصادیق احسان است. یعنی عفو گذشت کردن از اهل کتاب احسان و نیکی است و فرد نیکوکار، محبوب خداوند می‌شود. از این رو، خداوند با توجه دادن به این اصل، مؤمنان را ترغیب به صفح می‌نماید. به‌طورکلی، در برابر لغزش دیگران دواکنش انتقام و صبر و عفو امکان دارد. به رغم اینکه مقابله به مثل در برابر خطای دیگران حقی محفوظ است (البقره: ۱۹۶)، احسان و نیکوکاری در مرتبه‌ای بالاتر از آن قرار دارد و هرکه مظهر این اسم شود، بی‌تردید در زمره نیکوکاران است. همچنین عفو بخشش پیامبر ﷺ و مسلمانان از اهل کتاب در کمال قدرت بیانگر تسلط روحی و تجلی بخشندگی خداوند متعال است که نصرت الهی را در پی دارد (البقره: ۱۰۹).



## نتیجه گیری

پس از تحلیل آیات مدارا با اهل کتاب با الهام گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، نتایج ذیل حاصل می شود:

۱- روش گفتمان کاوی انتقادی فرکلاف شیوه مناسبی برای تحلیل ساختار آیات قرآن کریم در موضوعات مختلف، در اختیار پژوهشگران قرار می دهد. این روش مطالعات بین رشته ای با توصیف و تبیین ساخت های زبانی به رمزگشایی آیات و معانی آنها بیش از صورت زبانی اهتمام دارد.

۲- تحلیل آیات مدارا با اهل کتاب در سطح توصیف نحوه به کارگیری نشانه های زبانی و سبک گفتمان الهی برای زیست اجتماعی مطلوب را مبرهن می سازد. گفتمان الهی در سطح توصیف با کار بست ارزش تجربی واژگان، تشابه معنایی و ساخت های نحوی مناسب مدارا با اهل کتاب را بیان کرده است. عفو، صبر و تقوا به عنوان مؤلفه های گفتمان مدارا، مدارا با اهل کتاب است.

۳- بافت موقعیتی و ابعاد روانی موجود از اهل کتاب در آیات از مؤلفه های تحلیل در سطح تفسیر است. بررسی بافت موقعیتی نمایان ساخت که سبک گفتمان الهی در لایه متنی با شرایط اجتماعی و نزول آیات در مدینه کاملاً مطابقت دارد؛ چراکه این آیات تقریباً در اواخر عمر پیامبر ﷺ نازل شد و مسلمانان در این زمان از قدرت برخوردار بودند و قرآن برای اقناع مخاطبان با ساختار معلوم و امر، گفتمان مدارا با اهل کتاب را بیان کرده است. در برخی موارد آیات با اشاره به روانشناسی کنشگران گفتمان (اهل کتاب)، بازنمایی نوینی از حقیقت وجودی آنان ارائه داده است تا مسلمانان در مواجهه با این گونه رفتارها به خشونت دست نبرند.

۴- تحلیل در سطح تبیین نشان داد که عفو، صبر و تقوا به عنوان دال های مرکزی در گفتمان مدارا با اهل کتاب، الگوی گفتمانی زیست اجتماعی مطلوب در هندسه معرفتی قرآن کریم است که در ضمن باز نمود انتقادی و افشاسازی از اعمال و رفتار اهل کتاب در آیات قرآن بیان شده است لذا مدارا با اهل کتاب به معنای همسویی با مخالفان نیست، بلکه پذیرش زندگی صلح آمیز و به دوراز تنش در جامعه است و هرگونه ارتباطی که منجر به سلطه



اهل کتاب بر جامعه اسلامی شود، ممنوع است. بنابراین از منظر قرآن کریم در مرحله اجتماع پلورالیسم رفتاری با اهل کتاب وجود دارد که در قالب مدارا و زندگی مسالمت‌آمیز با آنان بیان شده است؛ ولی پلورالیسم دینی به معنای حقیقت‌دین اهل کتاب وجود ندارد.

### کتابنامه

قرآن کریم.

آفاکل زاده، فردوس، طارمی، طاهره (۱۳۹۵). «تحلیل زبان شناختی گفتمان‌های رقیب در پرونده بورسیه‌های تحصیلی؛ رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف»، دوماهنامه جستارهای زبانی، س ۷، ش ۶، ص ۳۹۱-۴۱۴.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران، نشر علمی.

ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی‌تا). التحرير و التنوير، بی‌جا، بی‌نا.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارصادر.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم، قم، اسراء.

جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالملايين.

حسینی همدانی، محمدحسین (۱۴۰۴ق). انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی.

حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا). تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر.

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل‌البيت:.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، بیروت.

زحیلی، وهبه مصطفی (۱۴۱۹ق). آثار الحرب فی الفقه الإسلامی، الطبعة الثالثة، دمشق، دارالفکر.

زرکشی، بدرالدین (۱۹۵۷م). البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار إحياء الكتب العربية.

زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق). کشف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی.

ژاندرن، ساد (۱۳۸۲). تساهل در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس قادری، تهران، نشر نی.

- تحليل گفتمان انتقادی آیات مدارا با اهل کتاب - بی بی سادات رضی بهابادی (۲۲۸-۲۰۳) / ۲۲۷
- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- عزیزان، مهدی (۱۳۹۲). «حقوق و تکالیف شهروندان غیرمسلمان در جامعه اسلامی»، نشریه حکومت اسلامی، س ۱۸، ش ۶۷، ص ۱۶۳-۱۸۹.
- عکاشه، محمود (۲۰۰۵م). لغه الخطاب السیاسی در اسه لغویه تطبیقیه فی ضوء نظریه الإتصال، مصر، دارالنشر للجامعات.
- فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۰). سبک شناسی؛ نظریه ها، رویکردها و روش ها، تهران، سخن.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، دفتر مطالعات توسعه و رسانه ها.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- کلانتری، علی اکبر (۱۴۱۶ق). الجزیه و أحكامها فی الفقه الإسلامی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۰ق). الأحكام السلطانیة و الولايات الدینیة، بیروت، خالد عبداللطیف سبع العلمی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیة، بیروت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰). تفسیر روشن، تهران، تهران، مرکز نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- نلسون، جیمزام (۱۳۹۵). روان شناسی دین و معنویت، ترجمه مسعود آذربایجانی و امیر قربانی، تهران، انتشارات سمت.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ق). اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیة.

یاراحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳). گفت‌مان‌شناسی رایج و انتقادی، چاپ دوم، تهران، هرمس.  
یورگنسن، ماریان، فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۷). نظریه و روش در تحلیل گفت‌مان، ترجمه هادی  
جلیلی، تهران، نشر نی.

Blommaert, Jan (2005). *Discourse*, Cmbridge University Press.

Enright, Robert D. Freedman, Suzanne, Rique, Julio (1998), "The psychology of interpersonal forgiveness", *Exploring forgiveness*, Madison, WI: University of Wisconsin Press, Pp. 46–62.

–Fairclough, Norman (1989). *Language and Power*. New York: Longman Inc.

\_\_\_\_\_ (1992). *Discourse and Social Change*, Cambridge: Polity Press.

Kress, Gunther (1985). *Linguistic Processes in Sociocultural Practice*, Victoria, Australia: Deakin University Press.

Worthington, E.L., Jr & Scherer, M (2004). "Forgiveness is an emotion-focused coping strategy that can reduce health risks and promote health resilience: Theory, review and hypotheses", *Psychology and Health*, Vol 19, Pp358-405. <https://doi.org/10.1080/0887044042000196674>